



جوار | هفته‌نامه سفارت ج.ا.ا در واتیکان
سال دوم | شماره ۹۷ | ۲۱ آذرماه ۱۴۰۴



پیام سفیر

کلیک کنید

آنچه در این شماره می‌خوانیم:

- بیانات مقام معظم رهبری به مناسبت روز پژوهش ۳
- یادداشت مدیر مسئول: راهی به سوی اندیشه نو؛ پژوهش به عنوان فرایندی وجودی، خلاقانه و معنا آفرین ۵
- وحدت حوزه و دانشگاه: همگرایی معرفتی به مثابه یک ضرورت تمدنی؛ دکتر مرتضی صانعی استاد حوزه و دانشگاه ۱۷
- حدیث هفته ۲۰
- واتیکان در هفته ای که گذشت ۲۱



جِوَار

هفته نامه سفارت ج.ا.ا. در واتیکان

سال دوم | شماره ۹۷ | جمعه | ۲۱ آذرماه ۱۴۰۴ | 12 December 2025



صاحب امتیاز: سفارت ج.ا.ا. ایران در واتیکان

مدیر مسئول: دکتر محمدحسین مختاری

سر دبیر: امیرحسین شاکری

تهیه شده در: بخش فرهنگی

آدرس: ۰۵۷, ۰۰۱۹۸ Via Bruxelles

تلفن: +۳۹۰۶۸۵۵۲۴۹۴

پست الکترونیکی: vat.media@mfa.gov.ir

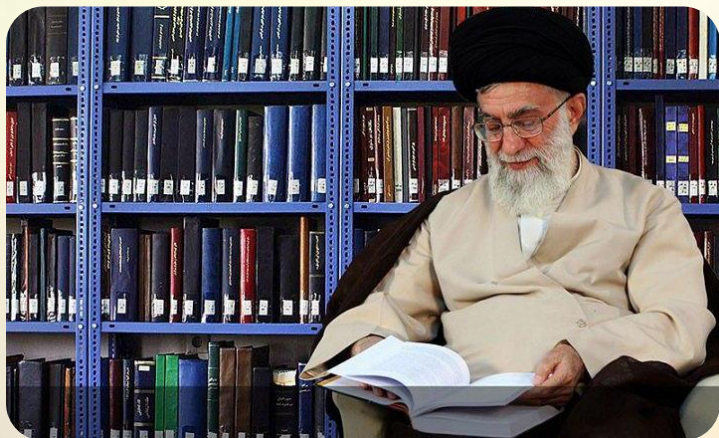
وب سایت: <https://vatican.mfa.gov.ir/portal>

شبکه ایکس: IRANtotheHolySee@IRANinVATICAN

گزیده‌ای از بیانات مقام معظم رهبری

به مناسبت روز پژوهش

همهٔ انسانها توانائی دانش پژوهی و دانشمندی را دارند. استعدادها البته مختلف است، لکن هیچ کشوری نیست که در آن انسانها توانائی این را نداشته باشند که در این دامنهٔ وسیع و عظیم علم بالقوه و بالاستعداد، یک جایگاهی برای خودشان پیدا کنند و یک نقشی در آن ایفا کنند. اگر کشوری که سابقهٔ او، تاریخ او، تجربهٔ او، نشان می‌دهد که توانائی استعداد او، توانائی بالائی است و از متوسط بالاتر است- که کشور ما قطعاً از این قبیل است- این بایستی در ایجاد علم، در توسعهٔ علم، در پیشرفت علم نقش ایفا کند و اگر توانست این نقش را ایفا کند، آن وقت این عقب ماندگی، این تبعیض و بی عدالتی در همهٔ زمینه‌های سیاسی و اجتماعی و اقتصادی از بین خواهد رفت و خواهد شد دارای سهم برابر در مقابل کشورهای دیگر و در مقابل قدرتهائی که امروز وجود دارند. آن وقت می‌تواند خودش را اداره کند، روی پای خودش بایستد؛ یک چیزی بدهد، یک چیزی بگیرد؛ اما امروز این جور نیست.



بسم الله الرحمن الرحيم

کشور ما بدون حرکت در جادهٔ گسترش دانش و گسترش پژوهش، امکان ندارد بتواند به نقطهٔ مطلوب خودش دست پیدا بکند؛ مخصوص کشور ما هم نیست. کلید، دانش و پژوهش است. دانشمند شدن یک ملت هم به این نیست که دانسته‌های دیگران را فراگیرد. آن، مقدمهٔ کار است. علم یک دامنهٔ وسیعی دارد؛ انحصاری نمی‌تواند باشد که ما فرض کنیم یک مجموعه‌ای از کشورها و یا ملتها هستند که نخبگان این‌ها علم را باید تولید کنند، مرزهای جدیدی را برای علم تعریف کنند، یک مقداری خودشان استفاده کنند، یک مقداری هم که زیاد آمد، بدهند دیگران استفاده کنند. این نمی‌شود. این نسبت، این شکل کار، معنایش همین عقب ماندگی دائمی بخشی از کشورها، همین رابطهٔ ظالمانهٔ بین کشورها، همین مسئلهٔ دنیای اول و دنیای دوم و دنیای سوم و شمال و جنوب و همین حرف‌هائی است که جزء ادبیات رائج سیاسی در این قرن و قرن قبل بوده و شده.

و من اصرارم بر این است که هر وقت ما برای پیشرفت علم کار می کنیم، این را فراموش نکنید که علم و دین توأمانند. علم مجرد از دین و دور از دین و لو در گام اول در کوتاه مدت یک کشوری را به یک نقطه ای از افتخار هم برساند، اما در بلندمدت برای بشریت زیانبار است؛ کما اینکه دارید می بینید که زیانبار است.

علمی که از دین جدا شد و خودش را متعهد به دین ندانست، نتیجه اش همین می شود که امروز در دنیا رائج است؛ علم وسیله زورگویی است، وسیله استثمار است، وسیله تخریب حرث و نسل است و محصول علم، بمب اتم است از یک طرف؛ از طرف دیگر، محصول علم، این مواد مخدر کذائی است؛ محصول علم، روی کار آمدن سیاستمداران دور از همه احساسات انسانی است در خیلی از کشورهای دنیا. علم را باید با دین همراه دانست. علم را برای خدا و در راه خدا باید تحصیل کرد و به کار گرفت. این، جزو تعالیم اولیه ما باید باشد؛ در همه جا.

پژوهش و علم، محور اقتدار کشور

رمز پیشرفت یک کشور، یعنی آن محور اصلی برای اقتدار یک کشور، پیشرفت همراه با اقتدار، علم است. آماج بسیاری از توطئه های امروزی که علیه جمهوری اسلامی هست، علم و اهل علم و دانشجویان علم و محیط علمی است؛ این را توجه داشته باشید. نگذارید این تیر طبق آن هدف گیری دشمن، به هدفی که آن ها گرفته اند، اصابت کند. کار علمی را نگذارید متوقف بشود.

از همه این حرف هائی که گفته شد، مهم تر، مسئله علم و تحقیق و پژوهش است.

دنیای غرب ثروتش از ناحیه علم است، اقتدارش از ناحیه علم است، زورگویی ای که امروز می کند، به خاطر علمی است که دارد. پول فی نفسه اقتدار نمی آورد. آنی که اقتدار می آورد، دانش است. امروز اگر آمریکا پیشرفتگی علمی خودش را نمی داشت، نمی توانست در دنیا این جور زورگویی بکند و در همه مسائل عالم دخالت بکند. ثروت هم اگر به دست می آید، از ناحیه علم به دست می آید. علم را اهمیت بدهید. اینی که من سالهاست روی مسئله علم، تحقیق، پژوهش، پیشرفت، نوآوری، شکستن مرزهای علمی موجود تکیه می کنم، به خاطر این است. بدون انواع دانش، اقتدار کشور امکان پذیر نیست. دانش اقتدار می آورد.

پژوهش در صنعت

یک نکته دیگری که مهم است، مسئله تحقیق است؛ تحقیق و توسعه فناوری. امروز همه صنایع دنیا از جمله صنعت خودرو دانش محور است. مرتب دارند فکر می کنند، کار می کنند، تحقیق می کنند، پژوهش می کنند، برای اینکه این را کامل تر، بی عیب تر، زیباتر، کم مصرف تر، ارزان تر از آب در بیاورند. این جز با پیشرفت علمی، جز با تأمل و دقت و تحقیق، ممکن نیست. باب تحقیق را بایستی باز گذاشت. دستگاه های مختلف، کارخانجات صنعتی و مدیران صنعتی و مدیران دولتی مشرف بر صنعت، بر روی مسئله تحقیق باید خیلی تلاش بکنند. این کمک می کند به اینکه صنعت بتواند در شرایط سخت رقابتی، خودش را حفظ کند؛ در رقابت با رقبای پیشرفته زمین نخورد. این با تحقیق امکان پذیر است.



پژوهش در معنای اصیل خود، فعالیتی است که در آن فرد یا گروهی از پژوهشگران می‌کوشند فهمی تازه از واقعیت بیابند و افق جدیدی از معنا را بگشایند. این تعریف، پژوهش را به کاری پیچیده و اندیشه‌ورزانه تبدیل می‌کند؛ کاری که تنها با جست‌وجوی منابع یا جمع‌آوری داده‌ها محقق نمی‌شود. آنچه پژوهش را از گزارش‌نویسی یا گردآوری اطلاعات متمایز می‌کند، توانایی پژوهشگر در تولید فکر و خلق معنا است. پژوهش نه در کپی‌برداری از متون گذشته، نه در انبار کردن داده‌ها، و نه در نوشتن مقالاتی که صرفاً تکرار کارهای دیگران است معنا می‌یابد؛ بلکه پژوهش حقیقی زمانی آغاز می‌شود که ذهن پژوهشگر درگیر پرسشی اصیل گردد و او تلاش کند چیزی را بفهمد که تاکنون از نظرها پنهان بوده است. به همین دلیل، پژوهش را باید فرایندی خلاقانه دانست که در آن نوآوری، تخیل نظری و توانایی پرسشگری اصیل محوریت دارد.

پژوهشگر در آغاز راه با جهانی از اطلاعات و نظریه‌ها مواجه است، اما این اطلاعات زمانی معنا پیدا می‌کنند که او بتواند پدیده‌ای را از زاویه‌ای تازه بنگرد و از دل آن پرسشی نو بسازد. پرسش، نقطه شروع تولید فکر است؛ زیرا پرسش نشان‌دهنده نارضایتی پژوهشگر از پاسخ‌های موجود و میل او به کشف حقیقتی تازه است. به قول گادامر که «فهم از دل پرسش زاده می‌شود» (Gadamer, ۲۰۰۴) و این سخن، ماهیتی وجودی به پژوهش می‌دهد. پژوهشگر تنها در صورتی به فهم تازه می‌رسد که جرأت پرسیدن داشته باشد. پرسشگری اصیل به معنای شک کردن در بدیهیات، نقد باورهای خود و دیگران، و تلاش برای یافتن معنای پنهان در تجربه‌هاست. در جامعه ما، یکی از مشکلات اصلی این است که پژوهش اغلب به فعالیت کم‌خطر، تکراری و فاقد ریسک فکری تبدیل شده است.

دانشجویان برای گرفتن نمره، پژوهشگران برای ارتقا، و استادان برای تکمیل پرونده علمی مجبور به تولید تعداد زیادی مقاله هستند. این ساختار، پژوهش را از ماهیت واقعی آن تهی می‌کند؛ زیرا نوآوری نیازمند زمان، تفکر عمیق و آزادی فکری است. وقتی پژوهش به امری کمی تبدیل شود، کیفیت قربانی می‌شود و پژوهشگر ناگزیر به سمت کارهایی می‌رود که ساده‌تر و سریع‌تر هستند. حاصل این وضعیت پژوهشی است که ظاهری علمی دارد، اما فاقد اندیشه و نوآوری است.

تولید فکر در پژوهش نیازمند خلاقیت است. خلاقیت نه به معنای خیال‌پردازی بی‌پایه، بلکه توانایی دیدن روابطی است که دیگران نمی‌بینند. نظریه‌پردازان در حوزه تحقیق و پژوهش نشان داده‌اند که خلاقیت حاصل ترکیب سه عامل است: دانش تخصصی، مهارت‌های تفکر خلاق، و انگیزه درونی (Amabile ۱۹۹۶). پژوهشگر خلاق کسی است که به حوزه مورد مطالعه خود مسلط است، اما اسیر چارچوب‌های آن نمی‌شود. او از مفاهیم و نظریه‌ها برای تکرار گذشته استفاده نمی‌کند، بلکه آنها را مواد خامی می‌بیند که باید در فرایند پژوهش بازسازی شوند. به همین دلیل است که پژوهشگر خلاق همیشه در حال تجربه، آزمون و خطا، نقد و بازاندیشی است. یکی از مهم‌ترین عناصر تولید فکر، بازاندیشی است.

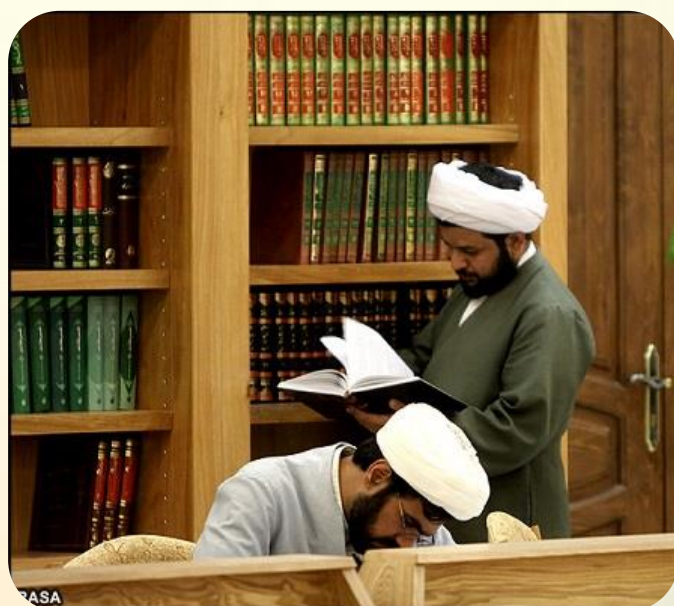
دونالد شون در کتاب «متفکر در عمل» نشان می‌دهد که پژوهشگر باید در حین عمل پژوهشی، به خود و مفروضاتش نیز بیندیشد. (Schön, ۱۹۸۳).

این یعنی پژوهش یک فعالیت خطی و از پیش تعیین‌شده نیست؛ بلکه حرکت از یک پرسش به پرسش دیگر، اصلاح مسیر و بازسازی طرح پژوهش به‌طور مداوم است. پژوهشگر باید آماده باشد تا در میان کار بفهمد که پرسش او نادرست بوده، پیش‌فرض‌هایش خام بوده یا چارچوب نظری‌اش نیازمند تجدیدنظر است. پژوهش زمانی زنده است که این چرخه بازاندیشی در آن جریان داشته باشد.

نوآوری، بسط طبیعی خلاقیت است. خلاقیت ایده تازه تولید می‌کند و نوآوری آن را به نظریه، روش یا نتیجه قابل ارائه تبدیل می‌کند. نوآوری در پژوهش ممکن است به صورت ارائه نظریه جدید، طراحی روشی تازه، بازتعریف مفاهیم کلاسیک، یا حتی ترکیب حوزه‌های معرفتی متفاوت ظاهر شود. برای مثال، پژوهش‌هایی که فلسفه را با فناوری، یا زبان‌شناسی را با هوش مصنوعی، یا هرمنوتیک را با مطالعات فرهنگی ترکیب می‌کنند، نمونه‌هایی از نوآوری میان‌رشته‌ای هستند. چنین رویکردهایی نه تنها فهم ما را از موضوعات پیچیده افزایش می‌دهند، بلکه مرزهای علوم مختلف را نیز بازتعریف می‌کنند.

فرایند پژوهش، با تمام پیچیدگی‌اش، بدون مشاهده دقیق و عمیق آغاز نمی‌شود. مشاهده در پژوهش همان توانایی دیدن مسئله است. بسیاری از مردم پدیده‌های مشابهی را می‌بینند، اما پژوهشگر کسی است که «مسئله» را در همان پدیده‌ها تشخیص می‌دهد. مسئله در پژوهش صرفاً موضوع نیست؛ بلکه چیزی است که تعادل فهم را برهم می‌زند.

پژوهشگر با مشاهده دقیق، خلأیی را کشف می‌کند که پاسخ به آن می‌تواند دانشی تازه تولید کند. این خلأ ممکن است یک تناقض نظری، یک پدیده نادیده گرفته شده، یا یک مشکل واقعی در جامعه باشد. قدم دوم تولید فکر، صورت‌بندی دقیق پرسش است. پرسش باید روشن، قابل پژوهش، اصیل و معنادار باشد. پرسشی که مبهم باشد یا با داده قابل پاسخ نباشد، پژوهش را فلج می‌کند. همین‌طور پرسش‌های کلیشه‌ای نمی‌توانند منجر به نوآوری شوند. پرسش خوب باعث می‌شود پژوهشگر به سراغ منابع، نظریه‌ها و روش‌های مختلف برود و از آنها برای ساختن پاسخی نو استفاده کند. پس از طرح پرسش، پژوهشگر باید فرضیه‌هایی بسازد. فرضیه‌ها پاسخ‌های «اولیه» هستند، نه پاسخ نهایی. آنها مسیر پژوهش را مشخص می‌کنند اما قطعی نیستند. پژوهشگر در طول کار باید آنها را تغییر دهد، نقد کند یا گسترش دهد. یکی از اشتباهات رایج پژوهشگران تازه‌کار این است که فرضیه را «جواب قطعی» می‌دانند، در حالی که فرضیه تنها یک «احتمال» است که باید در فرآیند پژوهش آزموده شود.



مرحله بعد، گفت‌وگو با داده‌ها و متون است. گادامر می‌گوید فهم زمانی رخ می‌دهد که انسان وارد گفت‌وگو با موضوع شود. این گفت‌وگو نوعی تعامل فعال است: پژوهشگر متن را می‌خواند، اما متن نیز او را به پرسش می‌گیرد. در این فرایند، پژوهشگر تنها مصرف‌کننده معنا نیست، بلکه تولیدکننده معنا نیز هست. تحلیل داده‌ها، نقد منابع، مقایسه نظریه‌ها و ساختاردهی مجدد مفاهیم بخش‌هایی از همین گفت‌وگو هستند.

اما تولید فکر تنها با گفت‌وگو کامل نمی‌شود؛ پژوهشگر باید بازاندیشی کند. بازاندیشی یعنی توانایی نگاه کردن به کار خود از بیرون. در این مرحله پژوهشگر از خود می‌پرسد: آیا پرسشم درست بوده است؟، آیا روش انتخابی مناسب است؟، آیا سوگیری ذهنی من باعث خطا نشده است؟

بازاندیشی کیفیت پژوهش را تضمین می‌کند و آن را از تکرار و تقلید دور نگه می‌دارد.

بدین ترتیب، پژوهشگر باید بتواند نتیجه‌ای ارائه دهد که نوآورانه، معنادار، نظری یا کاربردی باشد. نتیجه پژوهش باید چیزی «بیافزاید»؛ یعنی فهم تازه‌ای ایجاد کند، روشی جدید پیشنهاد دهد یا مسئله‌ای را به شیوه‌ای نو توضیح دهد. اگر پژوهش نتواند چنان افزایشی ایجاد کند، درواقع پژوهش نیست؛ بلکه گزارشی است بی‌اثر.

بدیهی است، پژوهش، اگر در معنای درست خود فهمیده شود، فرایندی برای تولید فکر است. پژوهش نه در تکرار گذشته، بلکه در ساختن آینده معنا می‌یابد.

جامعه‌ای که پژوهشگرانش بتوانند پرسش‌های اصیل مطرح کنند، نظریه‌های تازه بسازند، روش‌های جدید بیافرینند و جرأت اندیشیدن داشته باشند، جامعه‌ای خواهد بود که در مسیر توسعه حقیقی قرار دارد.

یکی از عناصر بنیادین در ماهیت پژوهش، «رابطه پژوهشگر با جهان» است. پژوهشگر واقعی نسبت به جهان بی تفاوت نیست؛ بلکه در برابر پدیده‌ها، مفاهیم و رخدادها حالت پرسشگری، حیرت و کنجکاوی دارد. در سنت فلسفه یونان، فلسفه با حیرت آغاز می‌شود؛ پژوهش نیز از همین حیرت تغذیه می‌شود. حیرت به معنای ندانستن نیست، بلکه به معنای آگاهی از حدود دانسته‌هاست. وقتی پژوهشگر درمی‌یابد که آنچه می‌داند بسیار محدود است، در او انگیزه‌ای برای کاوش و فهم بیشتر شکل می‌گیرد. این حالت درونی، منشأ خلاقیت و نوآوری است. در اینجا تفاوت مهمی میان پژوهشگر خلاق و پژوهشگر گردآورنده آشکار می‌شود. پژوهشگر گردآورنده با انباشت اطلاعات احساس رضایت می‌کند و تصور می‌کند هرچه منابع بیشتری از این سو و آن سو گردآوری کند، پژوهش او قوی‌تر است. اما پژوهشگر خلاق به دنبال افزایش دانش نیست، بلکه در پی افزایش فهم است. او حتی با اطلاعات محدود نیز می‌تواند به ایده‌ای نو برسد؛ زیرا آنچه پژوهش را پیش می‌برد حجم اطلاعات نیست، بلکه شیوه نگاه کردن به اطلاعات است. به همین دلیل است که بسیاری از نظریه‌های بزرگ علمی با داده‌های بسیار محدود آغاز شده‌اند اما فهمی عمیق و ساختارشکن ارائه کرده‌اند.

در مرحله تحلیل، پژوهشگر باید از دو دام بزرگ دوری کند: نخست «توصیف‌گرایی صرف» و دوم «پیش‌داوری نظری». توصیف‌گرایی زمانی رخ می‌دهد که پژوهشگر فقط اطلاعات را بازگو کند، بدون آنکه ساختار، معنا یا روابط پنهان میان داده‌ها را بکاود. در این حالت، پژوهش هیچ افزایشی در دانش ایجاد نمی‌کند و تنها نوعی ثبت و ضبط داده است. پیش‌داوری نظری نیز زمانی رخ می‌دهد که پژوهشگر با نظریه‌ای از پیش ساخته به سراغ داده‌ها می‌رود و تلاش می‌کند داده‌ها را مطابق نظریه توجیه کند. این رویکرد مانع از آن می‌شود که پژوهشگر ایده‌ای تازه یا نتیجه‌ای غیرمنتظره کشف کند. پژوهش واقعی نیازمند نوعی «گشودگی ذهنی» است؛ یعنی پژوهشگر باید آماده باشد تا داده‌ها او را شگفت‌زده کنند و فهم او را تغییر دهند.

یکی از مسائل مهم در تولید فکر، توانایی «پیوند دادن» است: پیوند دادن نظریه‌ها، مفاهیم، داده‌ها و تجربیات. نوآوری اغلب از دل همین پیوندها زاده می‌شود. برای مثال، وقتی روان‌شناسی شناختی با زبان‌شناسی تلاقی پیدا کرد، علم جدیدی به نام «روان‌زبان‌شناسی» شکل گرفت. یا زمانی که انسان‌شناسی با مطالعات رسانه ترکیب شد، «انسان‌شناسی دیجیتال» پدید آمد. در پژوهش‌های فلسفی نیز وقتی هرمنوتیک با پدیدارشناسی ترکیب شد، رویکرد جدیدی به فهم متون و تجربه انسانی شکل گرفت. بنابراین پژوهشگر باید ذهنی سیال داشته باشد؛ ذهنی که بتواند عناصر پراکنده را در یک کلیت جدید قرار دهد.



پژوهش نوآورانه همچنین نیازمند شکل خاصی از «شجاعت فکری» است. پژوهشگر باید جرأت داشته باشد از جریان‌های غالب فکری فاصله بگیرد، باورهای اگر پذیرفته‌شده را نقد کند، و راهی تازه برود حتی این راه با مخالفت روبه‌رو شود. تاریخ علم و فلسفه نشان می‌دهد که نظریه‌های نو ابتدا معمولاً با مقاومت روبه‌رو می‌شوند. اما همین نظریه‌ها بعدها مسیرهای جدید علم و اندیشه را شکل داده‌اند. شجاعت فکری یعنی توانایی ایستادن پشت ایده‌های جدید، البته بدون تعصب و با احترام به معیارهای علمی.

یکی از مهم‌ترین شرایطی که پژوهشگر را به سوی نوآوری هدایت می‌کند، «انگیزش درونی» است. انگیزش درونی، یعنی علاقه واقعی به فهم موضوع، مهم‌ترین عامل ایجاد نوآوری است. پژوهشگری که موضوعی را از دل علاقه شخصی دنبال می‌کند، وقت بیشتری برای آن می‌گذارد، عمیق‌تر می‌اندیشد، و جسورانه‌تر به سراغ پرسش‌های سخت می‌رود.

در کنار این عوامل فردی، باید به عوامل ساختاری نیز توجه کرد. پژوهش در خلأ اتفاق نمی‌افتد؛ پژوهشگر باید در محیطی باشد که تفکر انتقادی، گفت‌وگو، آزادی علمی و فرصت آزمون و خطا فراهم باشد. در محیط‌هایی که نقد سازنده تشویق می‌شود، ایده‌های تازه مجال ظهور پیدا می‌کنند. همچنین نبود ارتباط میان رشته‌ها در بسیاری از دانشگاه‌ها یکی از موانع جدی تولید فکر است؛ زیرا نوآوری غالباً در مرز میان رشته‌ها رخ می‌دهد.

نوآوری مفهومی در پژوهش زمانی رخ می‌دهد که پژوهشگر مفاهیم موجود را مورد بازاندیشی قرار دهد. این بازاندیشی می‌تواند به صورت انتقادی یا تفسیری باشد. به عنوان مثال، در بسیاری از پژوهش‌های معاصر، مفاهیمی مانند «هویت»، «قدرت»، «فرهنگ» یا «امر اجتماعی» دوباره مورد بررسی قرار گرفته و معنای آنها تغییر کرده است. پژوهشگر خلاق می‌پرسد: آیا مفهوم «هویت» باید همچنان به معنای ثبات در نظر گرفته شود؟ یا آیا «قدرت» همیشه امری سرکوبگر است؟ این پرسش‌ها به صورت طبیعی به نظریه‌های جدید و فهم‌های متفاوت منجر می‌شوند.

بعد دیگری از تولید فکر، توانایی پژوهشگر برای «دیدن تناقض‌ها» است. تناقض‌ها نقاطی هستند که پژوهش را تحریک می‌کنند. پژوهشگر باید بتواند در نظریه‌ها، داده‌ها و حتی تجربه‌ها تناقض‌هایی بیابد که توضیح داده نشده‌اند. این تناقض‌ها نشان می‌دهند که دانش موجود کافی نیست. هر جا تناقضی وجود دارد، فرصتی برای نوآوری نیز هست. پژوهشگر خلاق از تناقض نمی‌ترسد؛ بلکه آن را نشانه‌ای از امکان کشف می‌داند.

مرحله نهایی پژوهش، ارائه نتایج است. اما نتیجه پژوهش باید افزودنی باشد؛ یعنی نسبت به دانشی که پیش از آن وجود داشته چیزی را اضافه کند. این افزوده ممکن است کوچک باشد، اما باید واقعی باشد. حتی اگر پژوهش صرفاً زاویه دیدی تازه بر یک مسئله قدیمی ارائه دهد، این خود نوعی نوآوری است. بنابراین، پژوهشگر نباید از این بترسد که نتیجه پژوهش او یک «نظریه بزرگ» نیست؛ بلکه باید تلاش کند تجربه، تحلیل یا فهمی نو به جامعه علمی ارائه دهد. به طور خلاصه، می توان گفت پژوهش واقعی فرایندی است که با مشاهده آغاز می شود، با پرسیدن عمیق می شود، با خلاقیت جان می گیرد، با نوآوری گسترش می یابد، و با بازاندیشی پالایش می شود. پژوهشگر باید بتواند جهان را دوباره ببیند، پرسش های تازه بیافریند، روش ها را تغییر دهد، مفاهیم را بازتعریف کند، و فهم جدیدی بسازد. این همان چیزی است که پژوهش را از یک فعالیت مکانیکی به یک فعالیت فکری و خلاقانه تبدیل می کند.

یکی از ابعاد مهم پژوهش، «زمان» است؛ نه زمان تقویمی، بلکه زمان به معنای کیفیت تجربه. پژوهشگری که به دنبال نوآوری است نمی تواند شتابزده بیندیشد. تفکر از جنس سرعت نیست؛ از جنس عمق است. عمق در اندیشه زمانی پدید می آید که پژوهشگر با موضوع زندگی کند، با آن درگیر شود، آن را تجربه کند و فرصت کافی برای شکل گیری ایده های نو داشته باشد.

به همین دلیل است که نوآوری های بزرگ معمولاً نتیجه ماه ها یا سال ها تأمل و گفت و گو و بازاندیشی اند. پژوهش نیازمند نوعی «درنگ» است؛ درنگی که امکان می دهد ذهن از حالت سطحی بیرون آمده و به لایه های پنهان موضوع دست یابد.

این نکته زمانی اهمیت بیشتری پیدا می کند که بدانیم پژوهش امروزی در معرض تهدید «شتاب زدگی علمی» است. تولید انبوه مقالات، فشار برای چاپ سریع، و ارزیابی های کمی موجب از بین رفتن این درنگ اندیشه شده است. شتاب زدگی، پژوهشگر را از فرصت تجربه، تأمل و مشاهده عمیق محروم می کند. نتیجه آن است که پژوهش ها کم عمق می شوند و به جای تولید فکر، تنها به بازتولید داده ها می پردازند. پژوهشگر نوآور کسی است که بتواند در برابر این شتاب مقاومت کند و زمان لازم را برای پرورش ایده های نو فراهم آورد.

پژوهش همچنین دارای بعد دیگری است که اغلب نادیده گرفته می شود: بعد وجودی یا اگزیستانسیال پژوهشگر. پژوهش تنها فعالیت عقلانی نیست؛ بلکه تجربه ای وجودی است که در آن پژوهشگر با خود، باورهایش، ترس هایش و رؤیاهایش مواجه می شود. پژوهشگر در فرایند پژوهش نه تنها موضوع را، بلکه خود را نیز کشف می کند. از این منظر، پژوهش نوعی «خودکاوی» است. خلاقیت و نوآوری از دل همین مواجهه وجودی زاده می شوند.

گفت‌وگو به معنای برخورد آزادانه و بی‌تعصب با اندیشه‌هاست. پژوهشگر نباید در مقام داوری قطعی بنشیند؛ بلکه باید اجازه دهد متن یا داده با او سخن بگوید. این نوع گفت‌وگو نه تنها به فهم عمیق‌تر منجر می‌شود، بلکه سرچشمه نوآوری نیز هست. بسیاری از ایده‌های نو از دل گفت‌وگوهای آزادانه و تعاملی به وجود آمده‌اند (Gadamer, ۲۰۰۴).

پژوهشگران خلاق معمولاً توانایی «دیدن امکان‌ها» را دارند. آنها به جای اینکه فقط آنچه هست را ببینند، به آنچه می‌تواند باشد نیز می‌اندیشند. این توانایی، که فیلسوفان آن را «تفکر امکانی» می‌نامند، یکی از زیرساخت‌های اصلی نوآوری است. برای مثال، پژوهشگری که درباره یک نظریه کلاسیک کار می‌کند، تنها آن نظریه را تکرار نمی‌کند؛ بلکه می‌پرسد: اگر این نظریه را از زاویه دیگری بخوانیم چه می‌شود؟ اگر به زمینه‌های اجتماعی یا تاریخی آن توجه کنیم چه می‌شود؟ اگر بخواهیم امروز آن را بازسازی کنیم چه تغییراتی لازم است؟ این نوع پرسش‌ها پژوهش را از حالت بسته به حالت باز درمی‌آورند.



به همین دلیل، پژوهشگر نیازمند نوعی «صداقت فکری» است. صداقت فکری به معنای آن است که پژوهشگر از سر راحتی یا مصلحت چیزی را نپذیرد. او باید شجاعت اعتراف به خطا داشته باشد و آماده باشد که به‌طور واقعی یاد بگیرد. خطای پژوهشگر بخشی از فرایند یادگیری است، نه نشانه ضعف. در محیط‌هایی که خطا مذموم یا نشانه ناکارآمدی تلقی می‌شود، پژوهشگر جرات نوآوری را از دست می‌دهد. زیرا نوآوری بدون پذیرش ریسک خطا ممکن نیست.

در سطح معرفت‌شناختی، پژوهش را می‌توان نوعی «حرکت از مجهول به معلوم» دانست، اما این حرکت خطی نیست. فهم در پژوهش اغلب به شکل مارپیچی یا دورانی رخ می‌دهد: پژوهشگر با پرسشی آغاز می‌کند، وارد متون و داده‌ها می‌شود، با مقاومت یا تناقض مواجه می‌شود، دوباره به پرسش خود بازمی‌گردد، آن را اصلاح می‌کند، و سپس دوباره به تحلیل می‌پردازد. این حرکت چرخه‌ای، یکی از ویژگی‌های اساسی پژوهش خلاقانه است. فهم ناگهان به دست نمی‌آید؛ بلکه در فرایند رفت‌وبرگشت میان سؤال و پاسخ، نظریه و داده، یا ذهن و جهان شکل می‌گیرد.

در اینجا نقش «گفت‌وگو» اهمیت پیدا می‌کند. گفت‌وگو یکی از عناصر بنیادین پژوهش است، البته نه فقط گفت‌وگو با دیگران، بلکه گفت‌وگو با: متون، نظریه‌ها، داده‌ها، و حتی با خویشتن.

تاریخ نشان می‌دهد که بزرگ‌ترین انقلاب‌های فکری در محیط‌هایی رخ داده‌اند که گفت‌وگو و آزادی اندیشه در آنها جریان داشته است.

یکی از مهم‌ترین نشانه‌های پژوهش نوآورانه آن است که فهم ما را از واقعیت تغییر دهد. این تغییر ممکن است اندک باشد، اما باید واقعی باشد. فهم، هنگامی نو می‌شود که پژوهشگر بتواند از «چارچوب‌های مفهومی پیشین» فراتر رود و پدیده را از منظری غیرمنتظره ببیند. به همین دلیل است که پژوهشگر باید به‌طور دائم در حال یادگیری باشد، نه فقط یادگیری اطلاعات، بلکه یادگیری شیوه‌های جدید اندیشیدن.

پژوهشگر خلاق به جای جست‌وجوی تأیید نظریه‌های موجود، در پی «ابهام‌های روشن» است؛ یعنی نقاطی که دانسته‌ها کافی نیستند و نیاز به کاوش بیشتری دارند. این ابهام‌ها محل تولد نوآوری‌اند. پژوهشگر باید بتواند ابهام را تحمل کند، از آن نترسد و آن را بخشی از مسیر کشف بداند. یکی از ویژگی‌های پژوهشگران بزرگ این است که می‌توانند مدت زیادی در وضعیت نادانی یا عدم قطعیت باقی بمانند، بدون آنکه دچار اضطراب یا شتاب‌زدگی در یافتن پاسخ شوند.

در این میان، نقش محیط پژوهشی نیز بسیار مهم است. محیطی که در آن شکست پذیرفته شود، نقد آزادانه مطرح شود، گفتگو ارزشمند باشد و رقابت ناسالم کم باشد، محیطی مناسب برای رشد خلاقیت است. پژوهش نوآورانه نیازمند فضایی است که پژوهشگر در آن احساس امنیت فکری کند.

در این مسیر، «تخیل علمی» نقش تعیین‌کننده‌ای دارد. تخیل علمی به معنای خلق تصاویر ذهنی یا داستان‌پردازی نیست؛ بلکه توانایی ساختن سناریوهای نظری و دیدن روابط ممکن میان عناصر است. بسیاری از پیشرفت‌های علمی نتیجه همین تخیل بوده‌اند؛ حتی در علوم تجربی. برای مثال، ایده اتم در زمانی مطرح شد که هیچ ابزار تجربی برای اثبات آن وجود نداشت. یا مفهوم «فضای خمیده» در نسبیت عام قبل از هر آزمایشی توسط تخیل ریاضی اینشتین مطرح شد. بنابراین، پژوهشگر به تخیل نیاز دارد؛ تخیلی که مهار شده، منطقی و در خدمت فهم باشد. پژوهش همچنین بدون «حساسیت اخلاقی» کامل نمی‌شود. اخلاق پژوهش فقط به رعایت امانت علمی یا درست‌نقل کردن منابع محدود نمی‌شود؛ اخلاق پژوهش یعنی توجه به پیامدهای پژوهش. پژوهشگری که تولید فکر می‌کند باید بیندیشد که ایده او چه تأثیری بر انسان‌ها، جامعه، فرهنگ یا محیط‌زیست دارد. این نگرش اخلاقی باعث می‌شود نوآوری مسئولانه شکل گیرد و پژوهش در خدمت بهبود زندگی انسان‌ها باشد. در سطح اجتماعی، پژوهشگر بخشی از جامعه علمی است. همان گونه که قبلاً اشاره شد، هیچ پژوهشی در خلأ انجام نمی‌شود. پژوهشگر برای پرورش ایده‌های نو نیازمند مشارکت در شبکه‌ای از اندیشه‌ها و گفت‌وگوهای علمی است. در محیط‌هایی که پژوهشگران منزوی‌اند یا ساختارهای علمی از تبادُل نظر حمایت نمی‌کنند، تولید فکر دشوار می‌شود. اما در محیط‌هایی که نقد، بحث و مشارکت علمی ارزشمند است، پژوهشگر انگیزه بیشتری برای نوآوری پیدا می‌کند.

از این منظر، پژوهش تنها شغلی دانشگاهی نیست؛ بلکه سبک زندگی، نگرش به جهان و نحوه مواجهه با واقعیت است.

یکی از پیش شرط‌های اساسی پژوهش، آزادی فکری است. آزادی فکری نه به معنای رها شدن از هرگونه قاعده، بلکه به معنای آزاد بودن از پیش‌داوری‌ها، ترس‌های فکری و فشارهای بیرونی است. پژوهشگر برای تولید فکر باید بتواند از محدوده‌های رسمی و الگوهای قالبی خارج شود. اگر ساختارهای علمی پژوهشگر را وادار کنند تنها در محدوده‌ای خاص بیندیشد، خلاقیت و نوآوری به تدریج خاموش می‌شود. آزادی فکری یعنی پژوهشگر بتواند موضوعی را انتخاب کند که برای او «معنادار» است، نه آن‌که صرفاً برای گرفتن امتیاز یا رضایت ساختارهای دانشگاهی مناسب باشد. بسیاری از پژوهش‌های مهم در تاریخ علم، از انتخاب‌های جسورانه‌ای آغاز شده‌اند که در زمان خود غیراستاندارد یا حتی نامتعارف بوده‌اند.



وقتی پژوهشگر می‌ترسد که ایده‌اش مسخره شود یا نقد شود، نوآوری خفه می‌شود. اما در محیطی که خطا فرصت رشد تلقی می‌شود، نوآوری مجال ظهور پیدا می‌کند.

در نهایت، پژوهش زمانی کامل می‌شود که بتواند «چیزی بیافزاید»: نظریه‌ای جدید، روش‌شناسی تازه، تبیین متفاوت از یک پدیده، یا حتی پرسشی که پیش از آن مطرح نشده بود. پژوهشگر باید بتواند سهم خود را در پیشبرد دانش مشخص کند حتی اگر این سهم کوچک باشد. تولید فکر الزاماً به معنای خلق نظریه‌ای بزرگ نیست؛ گاهی یک تغییر کوچک در چارچوب‌های نظری یا یک نگاه متفاوت به مسئله، همان تولید فکر است.

پژوهش نه تنها فعالیتی علمی بلکه شکلی از زیستن است؛ زیستنی که در آن، انسان جهان را نه امری داده‌شده و ثابت، بلکه پدیده‌ای پویا، پیچیده و در حال تغییر می‌بیند. پژوهشگر واقعی همان کسی است که نمی‌تواند جهان را «بدون پرسش» تحمل کند. او با پدیده‌ها همچون مفروضات قطعی برخورد نمی‌کند، بلکه هر آنچه را می‌بیند می‌پرسد، تحلیل می‌کند و به چالش می‌کشد.

اما آزادی فکری بدون مسئولیت علمی کامل نمی‌شود. مسئولیت علمی یعنی پایبندی به صداقت، رعایت اصول روش‌شناختی، احترام به داده‌ها و شواهد، و عدم تحمیل ایدئولوژی بر پژوهش. این تعادل میان آزادی و مسئولیت، یکی از مقوم‌ترین عناصر پژوهش خلاق است. پژوهشگر آزاد است در انتخاب موضوع و زاویه دید خود، اما مسئول است در دقت علمی، روش‌مندی و پاسخ‌گویی به جامعه علمی. این توازن ظریف، پژوهش را از حالت رها و غیرعلمی خارج کرده و آن را به کنشی اندیشه‌ورزانه و معتبر تبدیل می‌کند.

در فرایند پژوهش، «خطا» نقشی اساسی دارد. برخلاف نگاه سنتی که خطا را نشانه ضعف می‌داند، در پژوهش نوآورانه خطا بخش طبیعی و ضروری مسیر کشف است. پژوهشگرانی که از خطا می‌ترسند، معمولاً به جای آزمودن ایده‌های تازه، به تکرار نظریه‌های موجود می‌پردازند. ایجاد نوآوری بدون پذیرش احتمال شکست تقریباً ناممکن است. توماس کوهن در نظریه پارادایم‌های علمی نشان می‌دهد که بسیاری از پیشرفت‌های مهم علمی از دل بحران‌ها و شکست‌های نظری پدید آمده‌اند. (Kuhn, ۱۹۶۲). پژوهشگر خلاق از خطاهای خود درس می‌گیرد، مسیر پژوهش را اصلاح می‌کند و توانایی خود را برای فهم عمیق‌تر افزایش می‌دهد. خطا زمانی خطرناک است که انکار شود؛ اما وقتی پذیرفته و تحلیل شود، به نیرویی سازنده برای تولید فکر تبدیل می‌گردد.

یکی از مهم‌ترین وظایف پژوهشگر نوآور، توانایی «معنا بخشیدن» است. پژوهش بدون معنا خشک و بی‌اثر است.

داده‌ها زمانی ارزشمند می‌شوند که پژوهشگر بتواند از دل آنها معنایی استخراج کند. این معنا ممکن است نظری، اخلاقی، اجتماعی یا فرهنگی باشد. معنا همان چیزی است که پژوهش را از یک گزارش ساده به یک «اثر علمی» تبدیل می‌کند. نقش پژوهشگر این است که داده‌های خام را در چارچوبی مفهومی قرار دهد، آنها را تفسیر کند و فهمی جدید ایجاد نماید. در پژوهش‌های علوم انسانی، این معنا بخشی اهمیت بیشتری پیدا می‌کند، زیرا داده‌ها غالباً چندلایه و پیچیده‌اند. نوآوری در پژوهش همچنین به «زیبایی‌شناسی فکر» وابسته است. پژوهشگر باید بتواند تفکر را به شکلی منسجم، روان و زیبا بیان کند. زبان پژوهش تنها ابزاری برای انتقال اطلاعات نیست؛ بلکه سازنده معنا نیز هست. وقتی پژوهشگر بتواند ایده‌های پیچیده را با زبانی دقیق و زیبا منتقل کند، فهم برای مخاطب آسان‌تر می‌شود و پژوهش تأثیرگذاری بیشتری پیدا می‌کند. بسیاری از آثار بزرگ علمی، علاوه بر محتوای قوی، از قدرت بیانی خاصی نیز برخوردارند که آنها را به آثار ماندگار بدل کرده است. بدین ترتیب باید گفت که پژوهش، در بالاترین معنای خود، نوعی آفرینش فکری است. پژوهشگر همچون هنرمند است؛ هنرمندی که به جای رنگ و صدا، با مفاهیم، داده‌ها و نظریه‌ها کار می‌کند. او جهان را بازسازی می‌کند، معنا می‌آفریند و راه‌های جدیدی برای فهم و تجربه معرفی می‌کند. پژوهش خلق کردن است: خلق پرسش، خلق فرضیه، خلق گفتمان و خلق آینده.

پژوهشگری که از خطا هراس دارد، هرگز جرأت خروج از چارچوب‌های تثبیت‌شده را نخواهد داشت و در نتیجه، نوآوری در کار او نادر خواهد بود. پژوهشگر در مسیر تولید فکر، نه تنها موضوع پژوهش را دگرگون می‌کند، بلکه خود نیز دگرگون می‌شود. پژوهش نوعی خودسازی فکری است. هر پرسش تازه، هر مشاهده دقیق و هر بازاندیشی، پژوهشگر را به انسانی توانمندتر و آزادتر تبدیل می‌کند. این رشد درونی، یکی از عمیق‌ترین دستاوردهای پژوهش است؛ دستاوردی که گاه از نتایج رسمی پژوهش ارزشمندتر است. اگر بخواهیم جامعه‌ای پویا و آینده‌ساز داشته باشیم، باید پژوهش را از بند نگاه کمی و اداری رها کنیم و به آن به‌مثابه کنشی خلاق، اندیشه‌ورزانه و فرهنگ‌ساز بنگریم. دانشگاه‌ها، مراکز علمی و نهادهای تصمیم‌گیر باید شرایطی فراهم کنند که در آن پژوهشگر بتواند آزادانه بیندیشد، خطا کند، بحث کند و نظریه‌های تازه طرح نماید.



پژوهش، اگر در معنای حقیقی خود فهمیده شود، یکی از خلاقانه‌ترین و عمیق‌ترین کنش‌های انسانی است. پژوهش نیرویی است که انسان را از وضعیت تکرار و تقلید بیرون می‌آورد و او را به امکان‌های تازه‌ای از فهم، شناخت و ساختن جهان رهنمون می‌سازد. آنچه یک جامعه را پیش می‌برد نه انباشت داده‌ها، نه تعداد مقالات، و نه حتی گسترش ظاهری نهادهای آموزشی است؛ بلکه توانایی آن جامعه در تولید فکر و خلق افق‌های معنایی جدید است. هر جامعه‌ای که قدرت اندیشیدن مستقل، پرسشگری خلاق و نوآوری در فهم جهان را از دست بدهد، دیر یا زود به رکود و وابستگی علمی دچار خواهد شد. در نگاه نگارنده، پژوهش یک مهارت فنی صرف نیست، بلکه کیفیتی وجودی، فرهنگی و تمدنی دارد. پژوهشگر واقعی کسی است که جهان را با چشمی پرسشگر و با قلبی حساس تجربه می‌کند. پرسش برای او نه یک ابزار، بلکه یک شیوه زیستن است. پژوهش برای او فقط نیازی علمی نیست، بلکه ضرورتی انسانی است؛ ضرورتی برای فهم بهتر خود، دیگران و جهان. از این رو، پژوهش معرفت را تنها «دریافت» نمی‌کند، بلکه آن را می‌آفریند. مسیر تولید فکر در پژوهش مسیر آسانی نیست. پژوهشگر باید در آن واحد چند نقش متفاوت را ایفا کند: مشاهده‌گری دقیق، اندیشمندی خلاق، منتقدی سخت‌گیر، و آینده‌نگری مسئول. او باید توانایی باشد که در دل داده‌ها «مفهوم»، در دل ابهام‌ها «امکان»، و در دل تناقض‌ها «راه تازه» را کشف کند. چنین رویکردی، نیازمند آزادی فکری، شجاعت مواجهه با ناشناخته‌ها، و توان تحمل خطاست.

فرهنگ نقد، گفت‌وگوی علمی، میان‌رشته‌ای بودن، و تربیت پژوهشگران مسئله‌محور باید در کانون توسعه علمی قرار گیرد. تنها در چنین بستری است که می‌توان انتظار داشت پژوهش به جای تکثیر مقاله، به تولید معنا بینجامد. در نهایت، پژوهش با تمام پیچیدگی‌هایش، دعوتی است به «دیدن دوباره جهان». پژوهشگر کسی است که هر بار با طرح پرسشی تازه، جهان را از نو می‌سازد؛ زیرا هر پرسش افقی تازه می‌گشاید و هر افق تازه راهی است برای ساختن آینده‌ای متفاوت.

بدین ترتیب، پژوهش نه فقط ابزاری برای حل مسائل، بلکه راهی برای گشودن امکان‌های جدید زندگی انسانی است. این مقاله نشان داد که پژوهش زمانی به ارزشمندترین شکل خود تحقق می‌یابد که به فرایندی برای تولید فکر، پرورش خلاقیت، و خلق نوآوری تبدیل شود و این، معنای راستین «روز پژوهش» است: یعنی بزرگداشت و تکریم توانایی انسان برای اندیشیدن، آفریدن و تغییر دادن جهان.



وحدت حوزه و دانشگاه:

همگرایی معرفتی به مثابه یک ضرورت تمدنی

دکتر مرتضی صانعی: استاد حوزه و دانشگاه



مسئله تعامل و همگرایی میان نهادهای حوزوی و دانشگاهی در ایران اسلامی، از جمله محوری‌ترین مباحث در گفتمان علم و تمدن در دهه‌های اخیر بوده است. این موضوع، فراتر از یک مسئله ساختاری یا شکلی، در واقع بازتابی از یک چالش معرفتی عمیق است که چگونه می‌توان میان دو سنت فکری که هر یک روش‌ها، تاریخچه‌ها و دغدغه‌های متمایزی دارند، پلی برای فهم جامع‌تر واقعیت و پاسخگویی به مسائل پیچیده بشر معاصر ایجاد کرد؟ این یادداشت در پی آن است که این ضرورت را از منظر علمی و با رویکردی جهانی تحلیل کند.

با شکل‌گیری نهادهای آموزشی مدرن در جوامع اسلامی مانند ایران، این نهادها اغلب با الگوگیری از مدل‌های غربی بنیان نهاده شدند. این روند در برخی موارد نه تنها به گسست، بلکه حتی به تقابل با نهادهای سنتی مانند حوزه‌های علمیه انجامید. حوزه، وارث سنتی کهن بود که بر علوم نقلی مانند فقه، اصول، کلام و فلسفه اسلامی تأکید داشت و روش‌شناسی آن بر تفسیر متن، استنباط و مباحثه استوار بود. در مقابل، دانشگاه حامل علوم جدید با رویکردی تجربی و تخصص گرا بود. این تفاوت در روش و موضوع، در غیاب برنامه‌ای مدون برای گفت‌وگو، به پیدایش دو فرهنگ علمی کم ارتباط انجامید؛ فرهنگی که گاه با بدگمانی متقابل همراه بود.



این امر مستلزم ایجاد گفت‌وگوی روش‌مند میان متخصصان این دو عرصه است. تجربه چند دهه اخیر در ایران اسلامی نشان می‌دهد که تنها تعیین یک روز به‌عنوان نماد وحدت حوزه و دانشگاه، برای تحقق همگرایی واقعی میان این دو نهاد، کافی نیست. دستیابی به چنین همگرایی‌ای، مستلزم طراحی سازوکارهایی پیچیده‌تر و عمیق‌تر است.

در این زمینه، همگرایی انتقادی و روش‌شناختی از جمله گام‌های کلیدی به شمار می‌رود؛ فرایندی که هدف آن، فراهم‌ساختن زمینه‌ای برای درک عمیق‌تر و دقیق‌تر مأموریت‌های ذاتی هریک از دو نهاد است. از سوی دیگر، طراحی رشته‌های میان‌رشته‌ای با ماهیت مقایسه‌ای نیز می‌تواند نقش مهمی در شتاب بخشیدن به فرایند درک مفاهیم یادگیری و تولید مفاهیم نو در بستر گفت‌وگوی علمی میان حوزه و دانشگاه ایفا کند؛ فرایندی که در نهایت به ایجاد همگرایی‌ای عمیق، بنیادی و راهبردی کمک خواهد کرد.

در سطح نظری، همگرایی و تعامل حوزه و دانشگاه به معنای پذیرش تکرر روش‌های معرفتی برای فهم یک حقیقت واحد است. علم جدید با همه قدرت تبیینی‌اش، در حوزه ارزش‌ها، اخلاق، معنویت و پاسخ به پرسش‌های غایی بشری با محدودیت‌های ذاتی مواجه است درحالی‌که سنت حکمی - دینی، با گنجینه عظیم خود، می‌تواند چارچوب‌های ارزشی، غایت‌شناسی و بینش‌های کل‌نگرانه را ارائه دهد. از سوی دیگر، علوم جدید، ابزارهای دقیق تحلیل طبیعت، جامعه و روان انسان و فناوری‌های حل مسائل مادی را در اختیار می‌گذارند. تمدن‌سازی نوین معاصر، بدون تلفیق خردمندانه این دو جریان، ناقص و شکننده خواهد بود. در سطح عملی، بسیاری از چالش‌های پیچیده جهان معاصر - از بحران محیط‌زیست و اخلاق زیستی تا مسائل اقتصاد عدالت‌محور، روان‌شناسی معنویت و مدیریت اجتماعی - ماهیت بین‌رشته‌ای دارند و نیازمند پاسخ‌هایی هستند که هم از دقت علمی برخوردار باشند و هم در چارچوب ارزشی هماهنگ با کرامت انسانی و حکمت الهی قرار گیرند.

بی‌تردید این مسیر، بدون چالش نیست. تفاوت در زبان تخصصی، سرعت تولید علم، معیارهای ارزیابی، و حتی سبک زندگی علمی در دو نهاد، می‌تواند موانعی ایجاد کند. همچنین، خطر التقاط سطحی یا تحمیل یک‌سویه دیدگاه‌ها همواره وجود دارد. کلید موفقیت، حفظ استقلال و اصالت هر دو سنت، در عین برقراری گفتگویی صمیمانه و عالمانه میان دانشمندان دو عرصه است. این گفتگو باید بر اساس عقلانیت و معنویت و باهدف کشف حقیقت باشد، نه الزاماً رسیدن به ادغام کامل. شکی نیست که این مسیر، خالی از چالش نیست. تفاوت‌های موجود در زبان تخصصی، سرعت تولید علم، معیارهای ارزیابی و حتی سبک زندگی علمی در این دو نهاد می‌تواند موانعی جدی بر سر راه ایجاد کند. همچنین، همواره این خطر وجود دارد که دیدگاه‌ها به‌صورت سطحی نگریسته شده یا به شکلی یک‌سویه تحمیل شوند. کلید موفقیت در این مسیر، حفظ استقلال و اصالت هر دو سنت فکری، در کنار برقراری گفت‌وگویی صمیمانه و عالمانه میان اندیشمندان هر دو عرصه است.

در یک جمع‌بندی کلی، می‌توان گفت وحدت حوزه و دانشگاه، در نهایت یک پروژه تمدنی است. هدف نهایی، طراحی مسیری برای تربیت دانشمندانی برخوردار از عمق معنویت و حکمت، و فقیهان و فیلسوفانی آگاه از یافته‌های روشمند علوم جدید است. این الگو می‌تواند الهام‌بخش ارائه یک پارادایم علم مجهز به حکمت در سطح جهانی باشد؛ پارادایمی که علم را از قید بی‌طرفی ارزشی صرف‌رها کرده، آن را در خدمت تعالی اخلاقی و معنوی بشر قرار می‌دهد، و درعین‌حال، دین را به گفت‌وگو با مسائل متغیر جهان فرامی‌خواند. تحقق این آرمان، نیازمند عزمی ملی، برنامه‌ریزی بلندمدت و فضایی آزاداندیشانه برای نقد و تولید ایده است. آینده تمدن نوین اسلامی، در گرو توانایی ما در ایجاد و تثبیت این پیوند حیاتی میان عقلانیت و معنویت، سنت و نوآوری، و حوزه و دانشگاه است.



حدیث ہفتہ



امام علی علیہ السلام:

لَا عَمَلَ كَالْتَحْقِيقِ



امام علی علیہ السلام:

هیچ کرداری مانند پژوهش نیست

« غررالحکم و دررالکلم ، ح ۱۰۴۸۳ »



واتیکان در هفته ای که گذشت ...



**RADIO
VATICANA**



**VATICAN
NEWS**

پاپ، رئیس جمهور اوکراین را به حضور پذیرفت



رئیس جمهور اوکراین پس از سفر به لندن و بروکسل اکنون به رم آمد تا با پاپ دیدار کند. زلنسکی سپس با جورجیا ملونی نخست وزیر ایتالیا دیدار می کند. در دیدار ۲۱ نوامبر گذشته زلنسکی با پاپ در کاخ رسولی در مورد موضوعات فوق اشاره صحبت نمود. سفیر اوکراین در مقر مقدس این دیدار را بسیار صادقانه خواند. ۱۲ ماه می نیز قبلا گفتگویی تلفنی میان دو طرف انجام پذیرفته است.

۹ دسامبر ولادیمیر زلنسکی رئیس جمهور اوکراین در کاستل گندولفو بمدت نیم ساعت با پاپ لئون چهاردهم دیدار و گفتگو کرد.

دفتر مطبوعاتی مقر مقدس با اعلام این خبر افزود: این دومین دیدار خصوصی میان آنها است. موضوع اصلی این دیدار، اظهار امیدواری برای اینکه ابتکارات دیپلماتیک جاری باعث ایجاد صلح شوند و همچنین حل مسئله اسراء جنگی و بازگشت کودکان اوکراینی برده شده به روسیه، نزد خانواده های خود، بود.

<https://www.vaticannews.va/it/papa/news/۲۰۲۵-۱۲/zelensky-udienza-papa-leone-xiv-castel-gandolfo-pace-giusta.html>

سفر نخست وزیر واتیکان به موزامبیک



قرار است کاردینال پارولین با رئیس مجلس، نخست وزیر، وزیر دادگستری، امور قانون اساسی و دینی نیز دیدار کند.

وی ۷ دسامبر پس از شرکت در مراسم عبادی به مناسبت سومین روز ملی جوانان از مرکز کمک رسانی به فقراء بازدید نمود.

کاردینال پارولین در ادامه سفر مقرر گردیده، گفتگو با گروهی از آوارگان داخلی، دیدار بین ادیان و سپس در مراسم عبادی شرکت و از جامعه سنت اجیدیو دیدن نماید.

روز جمعه ۵ دسامبر سفر کاردینال پی یتر پارولین نخست وزیر واتیکان به مناسبت سی امین سالگرد روابط دیپلماتیک میان مرقمقدس و کشور آفریقایی موزامبیک آغاز شد.

دبیرخانه دولت واتیکان در حساب کاربری خود با اعلام این خبر نوشت: کاردینال پارولین با رئیس جمهور این کشور دیدار کرد. وی همچنین در مراسم بزرگداشت سی امین سالگرد روابط دیپلماتیک میان مرقمقدس و جمهوری موزامبیک شرکت نمود.

<https://www.osservatoreromano.va/it/news/۲۰۲۵-۱۲/quo-۲۸۱/al-via-la-visita-del-cardinale-parolin-in-mozambico.html>

دیدار رئیس جمهور کرواسی با پاپ



در جریان این دیدار که در دفتر نخست وزیری صورت گرفت، ضمن اشاره به روابط حسنه میان کلیسای محلی کرواسی و واتیکان، در رابطه با تصمیماتی مبنی بر پیشرفت همکاری ها در بخش های مورد علاقه طرفین بحث و گفتگو شد. در خصوص برخی از موضوعات با توجه ویژه به همکاری هاب منطقه ای در بالکان غربی و جنگ اوکراین تبادل نظر گردید.

پاپ لئون چهاردهم، مورخ ۵ دسامبر جناب آندری پلنکوویچ رئیس جمهور کرواسی را به حضور پذیرفت. نامبرده روز قبل از این دیدار، کاردینال پارولین نخست وزیر واتیکان را که توسط معاون وزارت امور خارجه واتیکان مونسینور میهایتا بلای همراهی شده بود، دیدار و گفتگو کرد.

<https://www.osservatoreromano.va/it/news/۲۰۲۵-۱۲/quo-۲۸۰/udienza-del-papa-al-presidente-del-governo-della-repubblica-di-c.html>

دیدار رئیس جمهور اسلواکی با پاپ



همچنین بار دیگر بر تعهد مشترک در حمایت و تقویت همزیستی اجتماعی، ترویج عدالت و حمایت از خانواده تاکید شد و درخصوص موضوعات بین المللی، با توجه خاص به جنگ در اوکراین و عواقب آن برای امنیت اروپا و وضعیت در خاورمیانه گفتگو شد.

۴ نوامبر پیتر پلگرینی رئیس جمهور اسلواکی در کاخ رسولی واتیکان با پاپ دیدار کرد، پلگرینی سپس در دبیرخانه دولت واتیکان با کاردینال پی یترو پارولین نخست وزیر واتیکان و مون سینیور میهایتا بلا معاون وزیر خارجه واتیکان دیدار و گفتگو کرد.

در طی دیدار صمیمانه در دبیرخانه دولت واتیکان دو طرف از روابط خوب دو جانبه، همچنین با اشاره به بیست و پنجمین سالگرد امضاء توافقنامه پایه میان مقر مقدس و جمهوری اسلواکی، تمجید کردند.

سخنرانی وزیر خارجه واتیکان



وی در این سخنرانی همچنین در رابطه با افزایش یهودستیزی، پدیده‌های عدم تحمل و تبعیض علیه مسیحیان، مسلمانان و ادیان دیگر صحبت نمود و هشدار داد: تحمل به تنهایی مترادف با آزادی واقعی نیست.

مون سینیور پل ریچارد گالاگر وزیر خارجه واتیکان طی سخنرانی در اجلاس سازمان امنیت و همکاری اروپا، نگرانی خاص خود از ادامه جنگ در اوکراین را اعلام کرد.

<https://www.vaticannews.va/it/vaticano/news/۲۰۲۵-۱۲/gallagher-osce-sanata-sede-sicurezza-consiglio-papa-leone.html>

پاپ: تکنولوژی خیری مشترک باشد و نه قدرتی برای معدود افراد



شایان ذکر است که همایش مذکور از سوی بنیاد صدمین سال با پاپ و ائتلاف استراتژیک دانشگاه تحقیقاتی کاتولیک برگزار شده بود، نتایج تحقیقات منجر به انتشار کتابی تحت عنوان انگلیسی ذیل گردید:

Artificial Intelligence and Care of Our Common Home: A focus on Industries, Finance, Education and Communication

عنوان کتاب منتشره: هوش مصنوعی و مراقبت از خانه مشترکمان: تمرکز بر صنایع، امور مالی، آموزش و ارتباطات.

جمعه گذشته، پاپ لئون چهاردهم شرکت کنندگان همایش "هوش مصنوعی و درمان خانه مشترک" را در واتیکان به حضور پذیرفت. وی طی ایراد سخنرانی گفت: «می بایست پیشرفت هوش مصنوعی حقیقتاً برای خیر مشترک تضمین شده باشد و نه اینکه صرفاً برای جمع آوری ثروت و قدرت در دست معدود افراد قرار گیرد».

<https://www.osservatoreromano.va/it/news/۲۰۲۵-۱۲/quo-۲۸۰/la-tecnologia-sia-un-bene-comune-non-un-potere-di-pochi.html>

پاپ: افراد آسیب پذیر همیشه در اولویت قرار بگیرند



لئون چهاردهم تأکید کرد که محبت و توجه به کسانی که قدرت یا ثروت ندارند «معیار حقیقی ایمان مسیحی» است و دعوت کرد که جامعه نگاه مهربانانه‌تری نسبت به افراد شکننده داشته و آنان را در مرکز توجه قرار دهد.

پاپ لئون چهاردهم روز جمعه در دیدار با برگزارکنندگان و هنرمندان "کنسرت برای فقرا" تأکید کرد که افراد آسیب‌پذیر باید همواره در اولویت قرار گیرند. او با اشاره به این که کرامت انسان وابسته به دارایی یا جایگاه اجتماعی نیست، هر انسان را محبوب خداوند خطاب نمود. کنسرت مذکور فرصتی برای نزدیک شدن به فقرا، بیماران، بی‌خانمان‌ها و مهاجران توصیف شد.

<https://www.osservatoreromano.va/it/news/۱۲-۲۰۲۵/quo-۲۸۰/le-persone-fragili-siano-sempre-al-primo-posto.html>

یادداشت شبانی شورای اساقفه ایتالیا: "قانون صلح"



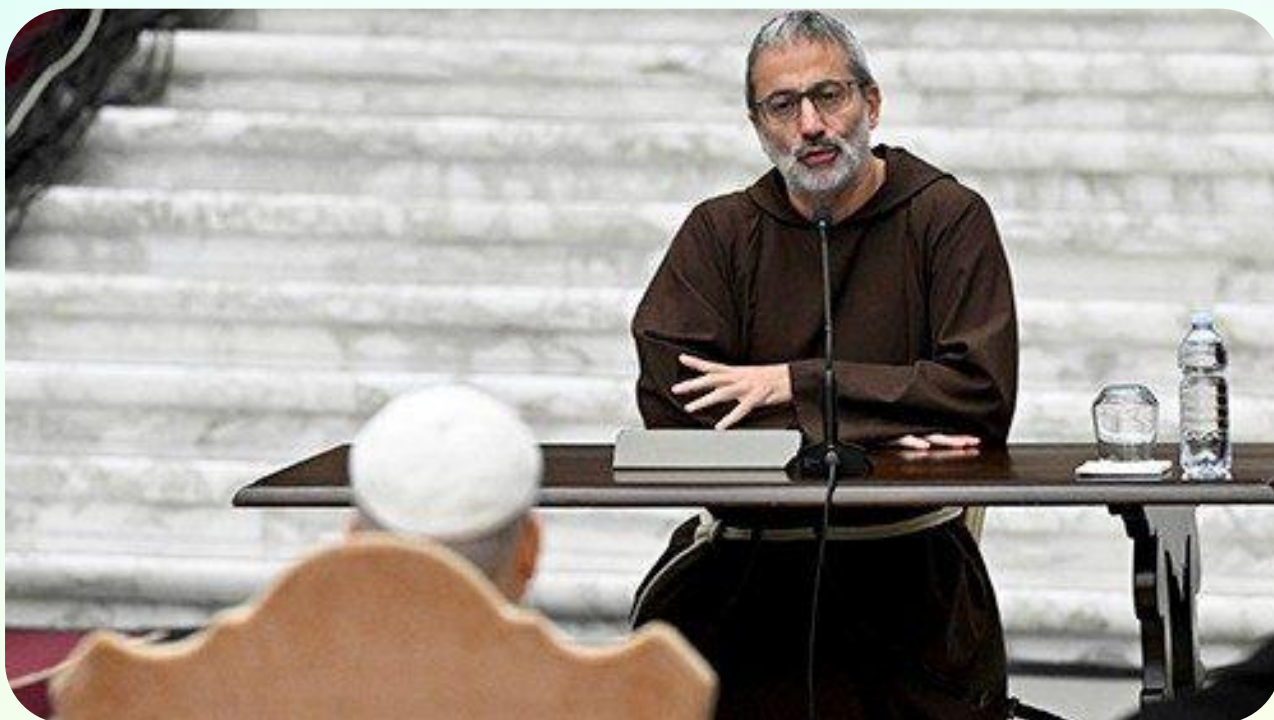
یک مسیحی می بایست، چارچوب ابلاغ انجیل را جدی بگیرد و آن فراخوانی خطاب به دستدرکاران صلحی است که باید تاریخ ساز بوده و حیات جامعه را تشکیل دهد. وضعیت فعلی با بسیاری از درگیری ها، وحشیگری های جنگ، فریاد قربانیان بیگناه و منطق تسلیحاتی ترسیم شده است که به نظر می رسد، نور عقل را تاریک کرده باشد. لذا شورای اساقفه را به این امر سوق داد تا یادداشتی روحانی در ۳۴ صفحه برای کشف مجدد مرکزیت حضرت عیسی [علیه السلام] "صلح ما" در هر ابلاغ و ترویج آشتی و هماهنگی، تنظیم نماید».

سندی تحت عنوان "تربیت به صلحی بدون سلاح و سلاح زدا" مورخ ۵ دسامبر منتشر گردید. این مطلب فراخوانی برای ثبت نام در مکتب صلح و بویژه دکترین کلیسای کاتولیک می باشد. در مقدمه این سند به قلم کاردینال زویی رئیس شورای اساقفه ایتالیا آمده است: "قانون صلح برای حیات و تداوم، نیازمند تمرینی برای روزمره گی جهانی است که از دوران تاریخ گذر نموده و نسلی برای گفتگو، احترام متقابل و مراقبت نمودن از دیگری، محبت کردن، رفتار برادرانه و رد خشونت تربیت نماید. قانون صلح را یاد بدهد و آن را مجاب به رعایت نماید. این مسیری طولانی، چالشی پیچیده و تلاشی است که مستلزم توجه به ابعاد بسیاری از حیات روحانی و اجتماعی می باشد.

<https://www.osservatoreromano.va/it/news/۲۰۲۵-۱۲/quo-۲۸۰/la-regola-della-pace.html>

دعای روز واقعه [ظهور حضرت عیسی علیه السلام] با حضور پاپ:

انتظار و مواجهه با روز خدا



سه موعظه مذکور با دعوت به «بیداری و عمل مسئولانه» و پرهیز از دوقطبی‌ها، بر ساختن کلیسا به عنوان خانه‌ای برای همبستگی و حضور خدا تمرکز دارد. پازولینی همچنین با اشاره به شخصیت‌های عزرا و نحمیا و متون مربوط به جشن تجلی، بر ضرورت تقویت وحدت جامعه ایمانی و امیدی جهانی برای همه ملت‌ها تأکید نمود.

موعظه‌های روز واقعه، مورخ ۵ دسامبر، با حضور پاپ لئون چهاردهم در سالن پل ششم آغاز شد. این مراسم در جمعه‌های ۱۲ و ۱۹ دسامبر نیز ادامه خواهد یافت و موضوع آن «انتظار و شتاب‌دادن به آمدن روز خدا» در خصوص بازگشت مجدد حضرت عیسی [علیه السلام] به زمین، برگرفته از نامه دوم پطرس [حضرت شمعون یا همان سن پیترو] می باشد. کشیش روبرتو پازولینی، واعظ واتیکان این سخنرانی‌ها را برای کاردینال‌ها، اساقفه و کارکنان واتیکان ارائه نموده و تأکید کرد که این موعظه‌ها در مقطع پایانی سال مقدس و آغاز سال لیتورژیک جدید برگزار شده و محور آن «امید» می باشد.

<https://www.osservatoreromano.va/it/news/۱۲-۲۰۲۵/quo-۲۸۰/in-attesa-fiduciosa-verso-la-salvezza.html>

پاکستان، تاسیس کمیسیون حمایت از حقوق اقلیت های دینی



وظیفه این کمیسیون مشخص کردن تخلفات علیه اقلیت های دینی، تحقیق در مورد سوء استفاده ها، بررسی شکایات، بازرسی از زندان ها و مراکز پلیس، مطلع کردن دولت و بررسی چگونگی اجرای قوانین در حمایت از حقوق اقلیت ها است.

از جمله مسائل بسیار مهم در پاکستان، تغییر دین، ازدواج های اجباری و سوء استفاده از قانون ضد کفر گویی است.

در تاریخ ۲ دسامبر پارلمان پاکستان در جلسه مشترکی با ۱۶۰ رای موافق و ۷۹ رای مخالف، تاسیس کمیسیون ملی برای حقوق اقلیت های دینی غیر مسلمان، مسیحیان، هندو، سیک، فارسی، بهایی و دیگر گروه های مذهبی را تصویب کرد.

با این رای، حکم دیوان عالی در سال ۲۰۱۴، که دستور تاسیس سازمانی نظارتی در مورد اقلیت ها را داده بود، اجراء می شود. موبن شهید استاد دانشکده فلسفه دانشگاه پاپی اوربانیانا شهر رم و بنیاد گذار انجمن پاکستانی های مسیحی در ایتالیا در اینباره گفت: این اولین نکته جالب توجه اینکه نسبت به ۱۱ سال قبل، دولت پاکستان قبول کرده که پیشرفت اقلیت ها مصادف با پیشرفت پاکستان است یعنی یک دموکراسی پایدار نمی تواند حمایت از اقلیت ها را نادیده بگیرد.

<https://www.osservatoreromano.va/it/news/۲۰۲۵-۱۲/quo-۲۸۱/in-pakistan-nasce-una-commissione-per-i-diritti-delle-minoranze.html>

دیدار سفرای جدید ۱۳ کشور با پاپ



پاپ همچنین اظهار امیدواری کرد که «در این لحظات حساس یک روحیه تازه برای تعهدی چندجانبه گرا احیاء شود تا به سازمان های بین المللی تاسیس شده برای حل اختلافات میان کشورها تحرک بیشتری دهد.

۶ نوامبر سفرای جدید کشورهای ازبکستان، مولداوی، بحرین، سریلانکا، پاکستان، لیبیا، تایلند، لسوتو، آفریقای جنوبی، فیجی، میکرونزی، لتونی و فنلاند در مقر مقدس در دیدار با پاپ استوارنامه های خود را تقدیم کردند.

پاپ در این دیدار گفت صلح به عنوان «هدیه ای فعال و جذاب» بسیار «ضروری» است زیرا تنش و تفرقه های ژئوپلیتیک افزایش یافته به طوری که بر کشورها سنگینی کرده و پیوندهای خانواده بشری را با آزمایشی سخت روبرو کرده است.

<https://www.osservatoreromano.va/it/news/۲۰۲۵-۱۲/quo-۲۸۱/l-urgenza-della-pace.html>

بیانیه دفتر مطبوعاتی مقر مقدس



شایان ذکر است چین و واتیکان فاقد روابط دیپلماتیک هستند، در سال ۱۹۴۹ با به قدرت رسیدن مائو، دولت چین سفیر واتیکان را از این کشور اخراج کرد. اما در دهه اخیر توافق موقتی میان دو طرف در مورد انتصاب اسقف ها در چین، امضاء شده است.

۶ دسامبر متئو برونو رئیس دفتر مطبوعاتی مقر مقدس در مورد برسمیت شناخته شدن یک اسقف چینی توسط دولت این کشور اظهار خرسندی کرد. در این بیانیه آمده است: با خشنودی مطلع شدیم که امروز از نظر مدنی کرامت اسقفی مون سینیور جوزپه زانگواآیزود، اسقف شهر شینشیانگ برسمیت شناخته شد. این مصوبه، ثمره گفتگو میان مقر مقدس و مقامات چینی و قدمی سازنده و مهمی است.

<https://www.osservatoreromano.va/it/news/۲۰۲۵-۱۲/quo-۲۸۱/dichiarazione-del-direttore-della-sala-stampa-della-santa-sede-m.html>

لئون چهاردهم: گفتگو میان مسیحیان و ادیان و فرهنگ های دیگر، صلح را امکان پذیر می کند



از افراد بسیاری که برای دیدن من به خیابان ها آمده بودند، دلگرم شدم. از دیدار خانواده های قربانیان انفجار در بندر بیروت متاثر شدم. آنچه در روزهای اخیر در ترکیه و لبنان اتفاق افتاد، به ما می آموزد که صلح امکان پذیر است و مسیحیان در گفتگو با مردان و زنان ادیان و فرهنگ های دیگر، می توانند به ساختن صلح کمک کنند. این را فراموش نکنیم، صلح امکان پذیر است.

پاپ در پایان مراسم عبادی ۷ دسامبر، بار دیگر در مورد اولین سفر رسولی خود به ترکیه و لبنان، گفتگوی بین کلیسایی، شصتمین سالگرد امضاء توافقنامه مشترک میان پل ششم و رهبر وقت ارتدکس های جهان در رفع تکفیر متقابل و گفتگوی بین ادیان سخنرانی کرد.

وی در مورد سفرش به لبنان گفت: با افرادی دیدار کردم که انجیل را ابلاغ می کردند در حالی که از آوارگان استقبال کرده، از زندان ها دیدن نموده و نان خود را با افراد نیازمند، تقسیم می کردند.

<https://www.vaticannews.va/it/papa/news/۲۰۲۵-۱۲/leone-xiv-angelus-ecumenismo-libano-turkiye-appello-sudest-asia.html>

یک کشیش دیگر در نیجریه ربوده شد



کسانی که از تعقیب و آزار در نیجریه صحبت می کنند آیا تاکنون نظر کلیسا را پرسیده اند؟... آنهایی که از نسل کشی صحبت می کنند، قصد دارند گروهی را بکشند».

وی در ادامه تاکید کرد حداقل ۸۰ درصد نیجریه ای های تحصیل کرده مسیحی هستند و همچنین ۸۵ درصد اقتصاد تحت کنترل مسیحیان است.

خبرگزاری کاتولیکی فیدس اعلام کرد، بار دیگر کشیشی کاتولیک با هدف اخاذی در نیجریه ربوده شد.

این کشیش که عضو خلیفه گری در شمال غربی نیجریه است، ۲ دسامبر با حمله مردان مسلحی به کلیسا ربوده شد. آدم ربایی هادر روزهای اخیر بگونه ای شکل گرفت که رئیس جمهور نیجریه مجبور به اعلام وضعیت اضطراری گردید.

سراسقف شهر سوکوتو در سخنرانی برای شوالیه های کاتولیک مطالب رسانه ها در مورد ربودن مسیحیان را مورد شک قرار داد و گفت: «گفته می شود که هر سال ۱۲۰۰ کلیسا به آتش کشیده می شوند، من از خود می پرسم از کدام نیجریه صحبت می کنند؟ نمی دانیم این ارقام را از کجا می آورند.

پاپ ، کمیسیون کمک های مالی به مقر مقدس را منحل کرد



این در حالی است که کمتر از ۱۰ ماه از تاسیس این کمیسیون نمی گذرد که لئون چهاردهم با صدور حکمی در تاریخ ۲۸ سپتامبر این تصمیم را گرفت اما خبر آن ۴ دسامبر اعلام شد.

کمک های مالی از طریق پیروان، شوراهای اساقفه و دیگران به صندوق این کمیسیون واریز می شد.

با حکمی که در نتیجه مشورت با شورای اقتصاد و دیگر کارشناسان بود، لئون چهاردهم کمیسیون کمک مالی به مقر مقدس را منحل کرد.

شایان ذکر است کمیسیون توسط پاپ فرانسیس فقید در ۱۱ فوریه گذشته تاسیس شد. بدیهی است وظایف اعضای این کمیسیون خاتمه می یابد و همه دارایی متعلق به این سازمان به مقر مقدس داده می شود.

<https://www.vaticannews.va/it/papa/news/۲۰۲۵-۱۲/leone-xiv-chirografo-sopprime-commissione-donazioni-santa-sede.html>

نظر مخالف کاردینال پتروچی رئیس کمیسیون با «شماس» شدن زنان



طبق گزارش منتشر شده توسط کمیسیونی به ریاست کاردینال بازنشسته جوزپه پتروچی، با شماس شدن زنان مخالفت شده است، اگر چه این تصمیم نهایی نیست. فوریه گذشته پایان یافت. کاردینال پتروچی با حکم پاپ فرانسیس و با تشکیل کمیسیونی، امکان شماس شدن زنان را مورد بررسی قرار داد و کار این کمیسیون در

در این گزارش آمده است، با امکان پذیرش زنان به عنوان شماس موافقت نمی شود، اگر چه این تصمیم، برخلاف مخالفت قطعی با کشیش شدن زنان، نهایی نیست. وی در ۱۸ سپتامبر گذشته گزارشی ۷ صفحه ای از نتایج کار این کمیسیون را برای لئون چهاردهم ارسال کرد که اکنون به خواست پاپ علنی می شود.

<https://www.vaticannews.va/it/vaticano/news/۲۰۲۵-۱۲/diaconato-femminile-commissione-petrocchi-santa-sede.html>

«اورشلیم به همه تعلق دارد»



وی در مورد اورشلیم افزود: باید تلاش کرد تا اورشلیم در دسترس همگان قرار گیرد. امروزه خواستار روندی هستند تا این شهر فقط متعلق به یک طرف باشد. در حالی که پاپ برخلاف دیگر نظرات، خواهان حضور تمامی اقشار، با هویت های متنوع، در آنجا صحبت کرده است. در نتیجه باید تلاش کنیم تا اورشلیم شهری برای همه باشد.

اخیراً پنجمین کنگره بین المللی طریقه فرانچسکن ها با شرکت ۷۵ کمیسر از سراسر جهان در اورشلیم برگزار شد.

پدر یسوعی متئو برنا رئیس کمیته سازماندهی پنجمین کنگره بین المللی کمیسرهای سرزمین مقدس در مصاحبه ای در مورد نقش این کمیسرها گفت: این گروه در سال ۱۴۰۰ تاسیس شد و وظیفه آنها به عنوان سفرای صلح، حمایت از سرزمین عیسی، کمک به ماندن مسیحیان در این سرزمین، ساختن مدارس و بیمارستان برای استفاده مسیحیان و غیر مسیحیان و غیره است.

<https://www.avvenire.it/chiesa/il-papa-a-gerusalemme-al-lavoro-perche-sia-citta-santa-di-tutti> ۱۰۱۹۳۰

کشته شدن کشیش پروتستانی در پاکستان



در ماه سپتامبر گذشته نیز یک گروه مسلح به اتوبوس حامل گروهی از زائران مسیحی تیراندازی کردند که در جریان این حمله یک کاتولیک ۴۲ سال کشته شد.

کامران میشل ناز سلامت کشیش پروتستانی ۴۵ ساله در استان پنجاب پاکستان توسط افراد ناشناس به قتل رسید.

در تاریخ ۵ دسامبر نامبرده در محله ای با اکثریت مسیحی زندگی می کرد در حالی که از خانه خارج می شد هدف شلیک سه گلوله قرار گرفت. این کشیش پروتستان که به امور آوارگان افغان رسیدگی می کرد، توسط افراط گرایان به «پروسلتیزم» متهم بود و بارها مورد تهدید قرار گرفت.

لئون چهاردهم: اروپا نقش مهمی برای صلح دارد،

کنار گذاشتن آن واقع بینانه نیست



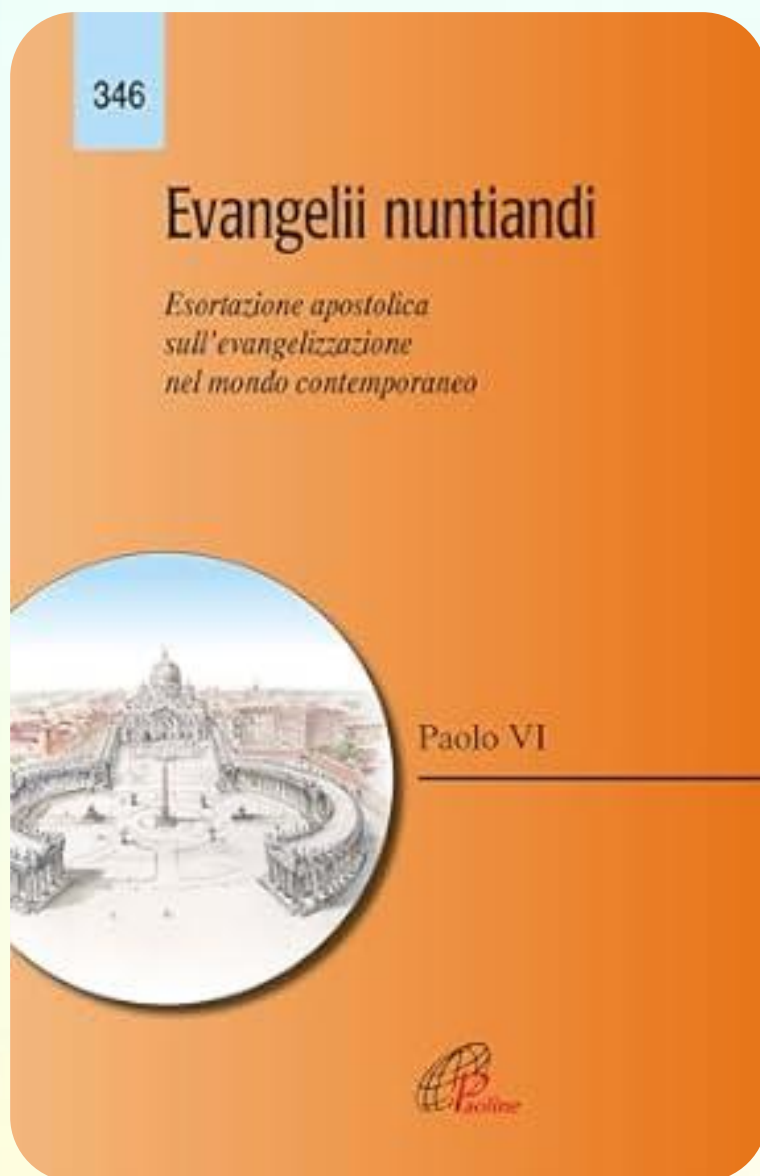
پاپ در مورد دعوت رئیس جمهور اوکراین از وی برای بازدید از این کشور، گفت: «بله امیدوارم این امر صورت پذیرد، اما زمان آن را نمی دانم. در این مورد باید واقع بین بود.»

پاپ در مورد اهمیت نقش اروپا افزود: «فکر می کنم که نقش اروپا بسیار مهم است و اتحاد کشورهای اروپایی واقعاً قابل توجه است، به خصوص در این مسئله، جستجوی توافق صلح با کنار گذاشتن آن در گفتگوها واقع بینانه نیست، زیرا جنگ در اروپا است.»

۹ دسامبر پاپ در خارج از کاستل گندولفو به سئولات خبرنگاران، در مورد دیدارش با رئیس جمهور اوکراین، آمادگی مقرر مقدس برای میزبانی مذاکرات صلح، احتمال سفر به کی یف، نقش اروپا برای صلح در اوکراین و بازدیدش از مسجد آبی در استانبول، پاسخ داد. پاپ در مورد دیدارش با رئیس جمهور اوکراین، گفت موضوعات اصلی، مسئله جنگ، روش هایی جهت یافتن یک راه حل و آتش بس، بود. به خصوص در مورد کودکان اوکراینی توقیف شده (توسط روسیه) و اسراء گفتگو نموده، همچنین در خصوص چگونگی کمک کلیسا برای بازگرداندن کودکان به اوکراین صحبت کردیم. وی سپس افزود: «مقرر مقدس آماده ی در اختیار گذاردن مکان و فرصتی برای مذاکرات است، البته تا این لحظه، این پیشنهاد پذیرفته نشده است. اما آماده جستجوی راه حلی برای صلحی دائمی و عادلانه هستیم.»

<https://www.vaticannews.va/it/papa/news/۲۰۲۵-۱۲/castel-gandolfo-papa-leone-xiv-giornalisti-pace-vaticano.html>

رساله ارشاد رسولی تعهد ابلاغ انجیل، ۵۰ ساله شد



با این حال، به هیچ وجه اثربخشی و تازگی خود را از دست نداد. پاپ فرانسیس ارشاد رسولی تعهد ابلاغ انجیل را «بزرگ ترین سند ارشادی نوشته شده تا به امروز» نامید.

۵۰ سال پیش، در تاریخ ۸ دسامبر ۱۹۷۵، قدیس پل ششم رساله ارشاد رسولی اوآنجلی نونتیاندی (تعهد ابلاغ انجیل) را امضاء نمود.

این متن ۱۰ سال پس از پایان شورای دوم واتیکان و یک سال پس از اجلاس (جهانی) اساقفه در سال ۱۹۷۴ در مورد ابلاغ انجیل، منتشر شد.

حقوق خانواده، اساقفه اروپا به اتحادیه اروپا :

ازدواج فقط میان یک مرد و یک زن است



۹ دسامبر شورای اساقفه اروپا با انتشار بیانیه ای به طور واضح از تصمیم دیوان دادگستری اتحادیه اروپا در مورد رسمیت شناختن ازدواج میان همجنس گرایان انتقاد کرد و آن را مغایر با حقوق خانواده خواند.

در ادامه بیانیه آمده است این تصمیم به نظر می رسد اتحادیه اروپا را به سویه ای فراتر از صلاحیت های حقوقی خود سوق می دهد و می تواند «تاثیرپذیری بر نظام های قضایی ملی (کشورهای اروپایی) در موضوع "حقوق خانواده" داشته باشد و "فشار آورده" تا حقوق خانواده تغییر کند».

97

HEVAR

The Weekly Journal of the Embassy of the
Islamic Republic of Iran to the HolySee

Second Year | Issue 97 | 2025 December 12

پژوهش و فناوری، پیشران
جهش تولید و مشارکت مردم

آیین بزرگداشت روز

پژوهش و فناوری



The Embassy of the Islamic Republic of
Iran to the HolySee



Via Bruxelles, 57, 00198



+39068552494



vat.media@mfa.gov.ir



<https://vatican.mfa.gov.ir/portal>



IRANtotheHolySee@IRANinVATICAN

